



حدیث نثر نویسی بانوی غزل

کاووه گوهرین

در این کتاب که به عنوان «حدیث نثر نویسی بانوی غزل» شناخته می‌شود، به بررسی سبک و شیوه نگارش نثر سیمین بهبهانی پرداخته شده است. این کتاب به بررسی سبک و شیوه نگارش نثر سیمین بهبهانی در آثارش می‌پردازد و به بررسی سبک و شیوه نگارش نثر سیمین بهبهانی در آثارش می‌پردازد. این کتاب به بررسی سبک و شیوه نگارش نثر سیمین بهبهانی در آثارش می‌پردازد و به بررسی سبک و شیوه نگارش نثر سیمین بهبهانی در آثارش می‌پردازد.

● یاد بعضی نفرات

● نوشته: سیمین بهبهانی

● چاپ اول - ۱۳۷۸

● ۸۶۸ صفحه - نشر البرز

۳۵۲

سیمین بهبهانی، شاعره نام‌آشنای معاصر، با زبان و سبک خاص خود، جایگاهی رفیع در ادب امروز ایران یافته است او فرزند عباس خلیلی، سیاست‌مرد ادیبی است که از پیش کسوتان قصه‌نویسی ایران، علی‌الخصوص رمان تاریخی بوده است. سیمین آن گونه که خود در مصاحبه‌ای گفته اولین سروده‌اش را در اسفند ۱۳۱۹ یعنی در ۱۳ سالگی، برای اختر چرخ ادب ایران پروین اعتصامی، خوانده است^۱ و امروز او به حق بانوی غزل معاصر است...

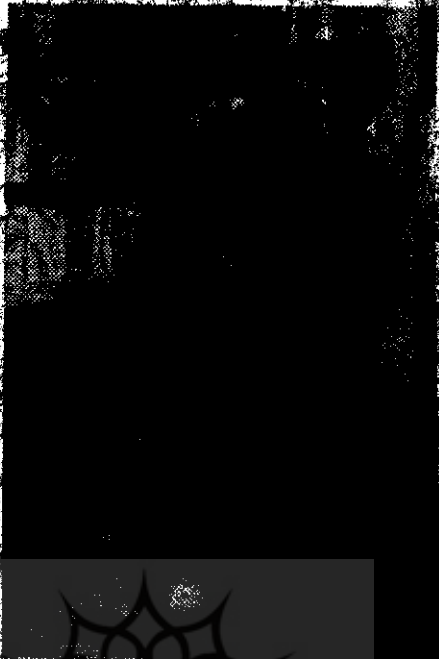
روزگاری زنده یاد «خسرو گلسرخی» در نوشته‌ای از او به عنوان غزل‌سرای زمانه یاد کرد و نوشت: «در میان شاعران زنی که در این روزگار می‌سرایند، تنها «سیمین بهبهانی» است که چهره‌ای مشخص‌تر از دیگران دارد. با آن که او هنوز قالب سنتی شعر را رها نکرده اما در همین قالب سروده‌هایش از بداهت و تازگی سرشار است.»^۲

گلسرخی با آن دید وسیع و واقع‌گرا، خصوصیات شعر سیمین و وجوه متمیزه آن را دریافته بود و الحق که سیمین در تمام ادوار سرایش شعری‌اش، همواره به افق‌های جدید نظر داشته و راه

۱ - نگاه کنید به گپ دفتر هنر با سیمین بهبهانی، دفتر هنر، شماره ۱۰ سال پنجم، مهر ماه ۱۳۷۷ چاپ

آمریکا

۲ - جای پای غزل‌سرای زمانه، خسرو گلسرخی، روزنامه کیهان، شماره ۸۵۹۳ اسفند ماه ۱۳۵۰



کتابخانه ملی ایران

تکامل پیموده است. و این هاست که او را در کسب عنوان بانوی غزل ایران محقق ساخته است.

با این که آغاز این یادداشت با اشاره به شعر سیمین رقم خورده، لکن مراد و مقصود ما بحث پیرامون شعر سیمین نیست که پیش از این بسیار در این باره قلم زده‌اند بلکه پرداختن به وجه دیگری از خلاقیت ادبی سیمین، یعنی نثرنویسی ممتاز اوست. با انتشار دو کتاب «با قلب خود چه خریدم؟» (۱۳۷۵) و «یاد بعضی نقرات» (۱۳۷۸)، اغراق نباید باشد که این بار از این بانوی هنرمند با عنوان بانوی نثر معاصر یاد کنیم.

سیمین بهبانی، از تسلی بزرگانی است که ادبیات را شاخه‌ای از عظمی دانستند و برای رسیدن به قلّه آن، با سخت کوشی در تمامی مقولات به تحصیل و تخصص می‌پرداختند. سرچشمه چربدستی و این خلاقیت شگرف در حیطه نثر، آنجاست که شاعره روزگار ما، همان قدر که به شعر ارجح می‌نهد از نثر نیز هافل نبوده و در تمامی متون کلاسیک نثر کهن فارسی نیز مستغرق بوده است. و همین عامل سبب گردیده که نثر زیبایی از طعنه به شعرش زده و خود بانی سبک جدیدی در نثر معاصر گردد.

متأسفانه در روزگار ما، اکثر آنانی که دعوی شاعری دارند و امروزه اکثر صفحات نشریات پر است از آنچه که با نام شعر صادر و چاپ کرده‌اند، با پیشینه ادبیات غنی فارسی بیگانه‌اند. همین



بیگانگی از گذشته سبب گردیده که دیگر آثاری نخیه را شاهد نباشیم و کمتر شعری از نسل حاضر بتواند که قلب و روح ما را تکان دهد. دلیل بارز این ضعف تألیف همانا دوری و عدم اطلاع بعضی شاعر نمایان از اصول بدیهی ادبیات کهن و امروزی ماست. همین مفارقت و دوری است که سبب شده کسی که حتی فرق بین ردیف و قافیه را نمی داند دعوی شاعری کند.

سیمین بهبهانی هم در شعر و هم در مقوله نثر، پاسداری میراث گذشتگان است و به همین دلیل بی آن که هراسی به خود راه دهد قریب به ۷۰ وزن تازه و کم سابقه را آزموده و از این معرکه سرفراز بیرون آمده است. ادبیات برای او مقدس است و چنان خود را مقید به حراست از این تقدس می داند که تا به کمال نوشته خود اطمینان حاصل نکند آن را به خواننده عرضه نمی کند. سیمین در نثر نیز همین وسواس و دقت را اعمال می کند. نثر فاخر او نثری ریشه دار است بدون این که سنگین، مصنوع و متکلف باشد. فاخر بدین معنا که از تمام کاستی های کلامی تهی است و اگر بدعت و نوآوری هایی هم به قصد تلحین و یا پس و پیش کردن کلمات در آن دیده می شود، به قول ادیب نیشابوری که درباره شعر حضرت مولانا معتقد بود در عین بی قاعدگی (از نظر مبتدی) عین قاعده دستور زبان فارسی است.^۱

وقتی که می‌گویم نثر سیمین دارای ریشه و پدر و مادر دل‌آسب است از آن روست که شیوه نگارش او در تمایل روشنی به نثر پارسی عصر سامانی دارد بدون این که به دلمان نثر متکلف و مصنوع در غلطد. نثر سیمین ادامه همان نثر ساده و مرسل عاری از قیود لفظی است که در قرن پنجم و حتی در بعضی آثار قرن ششم تجلی دارد. نثر تاریخ بهقی، سیاست‌نامه و آثار مشهور ناصر خسرو، حسن و ملاحظت نثر سیمین در این است که ضمن بهره‌گیری از سبک نوشتاری گذشتگان، با امتزاج شیوه‌های نگارشی امروزه به نثری روان و بدیع و سهل و محتج بدل می‌شود و تهی از اطباب و سجع‌های تکراری و پیش یا افتاده است و اگر گاهی سجمی هم دارد تحت تأثیر ذهن شاعرانه اوست و به نثر شیرینی بیشتری می‌بخشد. این خصوصیات در نوشتن نثر پاکیزه صد البته مختص سیمین نیست. ادیبی همچون دکتر ناتل خانلری نیز به نثر پاکیزه اعتقاد دارد و در حیطه ادب داستانی معاصر بزرگانی همچون محمود دولت‌آبادی، هوشنگ گلشیری، و یا خانم سیمین دانشور به نثری عاری از تکلف و تصنع دست یازیده‌اند. مرحوم اخوان ثالث نیز به گاهی که قصد نثر نویسی می‌کرد آثار بدیعی می‌آفرید حتی زمانی که به قصد نگارش یک مقاله تحقیقی و یا مقدمه‌ای بر کتاب شعرش قلم به کف می‌گرفت. نثر احمد شاملو نیز در مجموعه مقالات و تفکدهایش (از مهتابی به کوچه) از نمونه‌های قابل تأمل نثر معاصر فارسی است. همچنین نثر شکوهمند صادق چوبک در ترجمه (مهیاره) داستان‌های عشقی هندو که گاه به حد اعجاز زیباست...

بی‌تردید سخن گفتن از ارزش‌های نثر خانم بهبهانی، بدون آوردن نمونه ناقص است. این سطور را بخوانید: «پریزاد شیرینما قدم، عسلم، شیرم، شکرما! تریج چوبینت را می‌شکافند تا مردهات برآرند و به خاکت سپارند به سال هشتم عمرا

زاده شدی به سرزمین توهم نژاد برتر. بدان جا که کوره‌ها فروخته بودند و جهودان را سوخته. کولیان را حواله مرگ کرده بودند و «نژاد برتر» را نواله جنگ.^۱»

از دیگر نمونه‌های نثر زیبای سیمین، نوشته‌ای است با عنوان «سنگ را آرام تر بگذارید...» که در واقع شأن نزول شعر درخشان «نغمه روسی»^۲ است. متأسفانه این نوشته تاکنون در ایران چاپ نشده و من سظوری از آن را به نقل از چاپ خارج آن می‌آورم: «زن پدر صبح زود با یک تپیا خواب شیرین را از سرم می‌پرانند. در یخ‌بتدان از حیاط می‌گذشتم و به آشپزخانه می‌رسیدم.

به پانوشت مترجم ذیل شماره ۲ انتشارات پیام، ۱۳۵۶ چاپ دوم

۱ - با قلب خود چه خریدم؟ سیمین بهبهانی، انتشارات سخن، چاپ اول ۱۳۷۵ صفحه ۱۷۹

۲ - جای پا، سیمین بهبهانی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰، انتشارات زوار

سماور را از بشکه پر می‌گردم، در آتش‌گردان ذغال می‌گذاشتم و تریشه چوب رویش می‌ریختم و با کبریت آتش می‌زدم. شعله که می‌کشید دور حیاط می‌دویدم و می‌چرخاندمش. سرخ که می‌شد در آتش‌دان سماور می‌ریختم...»^۱

در کتاب «یاد بعضی نفرات»، نویسنده با سخاوت تمام اکثر آن چه را که به نثر دربارهٔ مشاهیر ادب امروز نگاشته، یک جا گرد آورده است و البته این تمام نوشته‌های از این دست نیست و گویا جلد دومی نیز در پی خواهد داشت. در این کتاب خواننده ضمن آشنایی با شخصیت مورد بحث از دید لطیف و صادقانه سیمین، به گوشه‌هایی نهفته دست می‌یابد و به دلیل سابقهٔ ممتد ادبی نویسنده که با اکثریت اهل قلم ایران خشم و نثر داشته است به نکاتی بکر واقف می‌شود و همین‌ها سبب می‌گردد که محتوای نوشته با نثری پاکیزه و ممتاز ترکیب شده و کتابی را پدید می‌آورد که خواننده را از هر جهت سیراب می‌کند. در یاد بعضی نفرات چه زمانی که نویسنده دربارهٔ یک مبحث فنی (ترجمهٔ قرآن) صفحه (۲۲۳) سخن می‌گوید و یا گاهی که دربارهٔ «پروین اعتصامی» و یا «شازده احتجاب» نظر می‌دهد نثر بشکوه و تابنده است و مولود آن به قدری فراوان است که نیازی به نقل نمونه ندارد و خواننده هر کجای کتاب را که بگشاید در خواهد یافت که راقم این ستور نکته‌ای به گراف نگفته است. با این وصف به ضرورت قاطع می‌توان گفت که «یاد بعضی نفرات» سوای ارزش محتوایی آن، یک نمونهٔ ترحم و ماندنی از نثر روان و پاکیزه امروزی زبان فارسی محنت کشیدهٔ ماست...

پژوهش‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
تالار علوم انسانی

۱ - دفتر هنر، شماره ۱۰ سال پنجم، صفحه ۱۳۷۸ «ویژه سیمین بهبهانی»